

پیوند ادبیات و مردم‌شناسی: چارچوب نظری پیشنهادی برای پژوهش ادبی-انسان‌شناختی در پرتو مفاهیم «بنیان‌گذار آیین»، «شکل‌گیری ارزش» و «زیست مطلوب»

فاطمه خواجه‌ویان

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

عذرا قندهاریون (نویسنده مسئول)

دانشیار ادبیات انگلیسی و مطالعات فرهنگی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

رولاند هادربرگ

استاد مردم‌شناسی فرهنگی و اجتماعی، رئیس مؤسسه فرانزیوس، دانشگاه گوته، فراکفورت، آلمان

چکیده

به نظر می‌رسد تلفیق ادبیات و انسان‌شناسی دور از ذهن است. اما مقاله پیش رو، تحقیقی نظری است و هدف آن پیشنهاد همکاریِ ثمربخش میان دو حوزه ادبیات و انسان‌شناسی از طریق چارچوب پژوهش ادبی-انسان‌شناختی است. نتایج چنین پژوهش‌هایی نشان می‌دهد که چگونه می‌توان آثار ادبی را زمانی که با استفاده از معیارهای انسان‌شناختی تحلیل می‌شود به سه سطح از خوانش اختصاص داد که نه تنها با انسان‌شناسی مرتبط است، بلکه لایه‌های معنایی روایت‌های ادبی را نیز آشکار می‌کند. بدین منظور، با استفاده از نظریه‌های «بنیان‌گذار آیین» ماکس شلر، «ارزش» کلاید کلاکھون، و «زیست مطلوب» ادوارد فیشر یک چارچوب نظری تشکیل می‌شود، که برای اولین بار توسط نویسندگان این مقاله ادغام و مرتبط شده‌اند. در نتیجه، این مقاله نشان داد که چگونه تحلیل یک اثر ادبی توسط تلفیق این نظریات سه‌گانه، دروازه جدیدی را به روی تحلیل شخصیت‌های ادبی می‌گشاید. منتقدان ادبی با بهره‌گیری از این ترکیب نظری می‌توانند نشان دهند که چگونه قهرمانان آثار ادبی به‌عنوان «بنیان‌گذاران آیین» به تصویر کشیده می‌شوند. آن‌ها از طریق گفتمان خود، یعنی رفتارهای کلامی و غیر کلامی، مجموعه‌ای از «ارزش‌ها» را در میان دیگر شخصیت‌های همان اثر ادبی ترویج می‌کنند. در انتها، نظریه «زیست مطلوب» روشن کرد که آیا مجموعه «ارزش‌هایی» که قهرمان اثر ادبی به‌عنوان یک «بنیان‌گذار آیین» عرضه می‌کند، برای دست‌یابی به «زیست مطلوب» موثر واقع می‌شود یا خیر. هدف نویسنده از خلق این ارزش‌ها پای نهادن فرای قلمروی ادبی و ملاقات با دنیای واقعی خوانندگان است.

واژگان کلیدی: پژوهش ادبی-انسان‌شناختی؛ بنیان‌گذار آیین؛ ارزش؛ زیست مطلوب.

رویکرد نقد بوم گرا: علاج و التیام از روان زخم زیست محیطی در باغات کویر اثر لزلای مارمون سیلکو

شکوفه ذریه حبیب

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی و
اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران

لیلا برادران جمیلی (نویسنده مسؤول)

استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

چکیده

مقاله‌ی حاضر التیام از روان زخم زیست محیطی در باغات کویر (۲۰۰۰) را به تصویر می‌کشد، رمانی که دغدغه‌های زیست محیطی لزلای مارمون سیلکو (۱۹۴۸)، در سبک زندگی بومیان آمریکایی، را ترسیم می‌کند. این رمان سرشار از دغدغه‌های زیست محیطی بومیان آمریکایی است که به شکل انکارناپذیری در ادامه‌ی حیاتشان به طبیعت وابسته‌اند. از آنجایی که بومیان آمریکا وفاداری جدایی ناپذیری با طبیعت و محیط زیست دارند، با جدایی از سرزمین‌های آباء و اجدادی با مشکلات و مصائب روحی زیادی مواجه شدند. نظریات لارنس بیوئل (۱۹۳۹) در ارتباط با اهمیت محیط زیست و قلمرو، قلمروی که مرکز احساسات قلمداد می‌شود، به کار گرفته شده است. نظریات چریل گلاتفلتی در رابطه با ارتباط فرهنگ و طبیعت و همچنین نظریات کتی کاروث (۱۹۵۵) پیرامون روان زخم مورد استفاده قرار گرفته‌اند تا اهمیت طبیعت و مشکلات روحی بومیان به دلیل نابودی زمین‌های آباء و اجدادی‌شان مورد بررسی قرار گیرد. رویکرد ترومای زیست محیطی رابطه‌ی متقابل هویت بومیان آمریکا و فرهنگ را با مکان زندگیشان به تصویر می‌کشد. در واقع بومیان آمریکا با بازگشت به سرزمین‌هایشان، روان زخم زیست محیطی خود را التیام می‌بخشند. تلاش بی‌وقفه آنان برای رهایی از روان زخم زیست محیطی با پایبندی به رسوم آباء و اجدادیشان نیز در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. سیلکو مجدداً تاکید و تصریح می‌کند که نظریه‌ی طبیعت، به هویت بومیان تحکم می‌بخشد. بنابراین وفاداری بومیان آمریکا به محیط زیستشان، تخریب سرزمین و طبیعتشان نیز متضمن رویارویی آنان با ترومای زیست محیطی و فقدان قلمرو زیستی آنان است و باعث تضعیف فرهنگشان می‌شود.

واژگان کلیدی: طبیعت؛ فرهنگ؛ دغدغه‌ی زیست محیطی؛ بومیان آمریکا؛ سرزمین؛ روان زخم زیست محیطی.

رابطه انسان با محیط زیست در رمان نابودی، اثر جف واندیور

حسین محسنی

استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

در رمان نابودی (۲۰۱۴)، اثر جف واندیور، رابطه بدیعی بین محیط زیستی آینده‌نگر و به شکلی عجیب سرسبز - به نام منطقه ایکس - و گروهی از دانشمندان شکل می‌گیرد؛ دانشمندی که وظیفه تحقیق و بررسی از این منطقه را به عهده دارند. در حالی که عکس‌العمل اولیه دانشمندان قبال این منطقه انسان‌محور و آنتروپوسینیک است، ابعاد متعارف این عکس‌العمل به شدت زیر سوال می‌رود. مطالعه حاضر بر این گمان است که زیر سوال رفتن این عکس‌العمل یکی از خصوصیات اصلی رابطه انسان‌ها با محیط زیست را در آنتروپوسین نشان می‌دهد. مطالعه حاضر از چارچوب‌های نظری منتقدانی همچون پیتر ورمولن و بنجامین رابرتسون بهره می‌برد تا نشان دهد چگونه ابزار متعارف نقشه‌کشی و مرزبندی نمی‌توانند عملکرد دوگانه‌ساز خود را داشته باشند؛ عملکردی که نمی‌تواند وسعت غیرقابل نقشه‌برداری منطقه ایکس را مورد بررسی قرار دهد. بی‌فایده بودن این ابزار متعارف و عملکرد آنها گواه می‌دهد که پارادایم‌های علمی انسانی از ادراک انگیزه و آگاهی محیط‌زیست و ناحیه‌ای مانند منطقه ایکس عاجزند؛ ناحیه‌ای که وسعت وصف‌ناپذیرش انسان‌ها را در بر گرفته، و مقاومتی عجیب قبال بررسی قرار گرفتن توسط چارچوب‌های علمی و نقشه‌برداری آنها دارد.

واژگان کلیدی: واندیور؛ نابودی؛ آنتروپوسین؛ طبیعت؛ نقشه‌کشی؛ همزیگری.

مطالعه رادیکالیسم در فنشن اثر هیر و نظریه روابط قدرت فوکو: خردگریزی و فقدان احتمالات

سیامک شهابی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، بخش زبانهای خارجی و زبانشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
بهی حدائق (نویسنده مسئول)

دانشیار ادبیات انگلیسی، بخش زبانهای خارجی و زبانشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

پژوهش حاضر می‌کوشد رادیکالیسم را در نمایشنامه سیاسی و رادیکال فنشن اثر دیوید هیر و در نظریه روابط قدرت میشل فوکو بررسی نماید. این مقاله از دیدگاهی مبنی بر خوانش‌های جدید فوکو بر اساس وجود خردگریزی در الگوی رادیکالیسم وی نگاشته شده است. بررسی حاضر به ما کمک می‌کند تا درک بهتری از تغییر در رویکردهای اجتماعی و الگوی رادیکالیسم در هیر و فوکو داشته باشیم. در این مطالعه فقدان روی دیگر واقعیت یا احتمالات ممکن در نمایشنامه فنشن اهمیت به‌سزایی دارد. هدف این تحقیق نشان دادن این مهم است که چگونه حمایت هیر و فوکو از رادیکالیسم منجر به توجیه تجربیات ناکام و تلاش آنها برای تحمیل آن به ذهن مخاطب می‌شود. علاوه بر این، شیوه نمایش تمایلات سیاسی به مخاطبین به عنوان عاملی کلیدی در بررسی تئاتر سیاسی بریتانیا شناخته شده که منجر به شکل‌گیری افکار و احساسات عمومی جامعه می‌گردد. نهایتاً می‌توان چنین نتیجه گرفت که خوانش فوکویی نمایشنامه فنشن باعث شناخت الگوی خاصی از رادیکالیسم در چارچوب فکری هیر می‌شود که با الگوی رادیکالیسم فوکو در تطابق است.

واژگان کلیدی: دیوید هیر؛ میشل فوکو؛ فنشن؛ روابط قدرت؛ رادیکالیسم.

دیالکتیک فضا و مکان در رمانهای جوهر ماندگار و پنج ناقوس

فرناز فتاحی وانانی

دانشجوی دکتری ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی،

واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

جلال سخنور (نویسنده مسؤول)

استاد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

مقاله حاضر به بررسی دو رمان معاصر به نام های جوهر ماندگار (۲۰۱۰) اثر فیونا مکگرگور و پنج ناقوس (۲۰۱۱) اثر گیل جونز از منظر نقد جغرافیای انسانی می پردازد. به این منظور، ارتباط پویای میان مفاهیمی چون فضا و مکان در بافت کلان شهر سیدنی در قرن بیست و یکم مورد مطالعه قرار گرفته اند. نویسندگان مقاله با در نظر گرفتن تئوری های مطرح شده توسط اندیشمندانی نظیر یی-فو توآن و جان اگنیو نشان می دهند چگونه تعاملاتی که بین شخصیت های داستان و فضاهای شهری صورت می گیرد، تاثیر به سزایی در تجربه آنان از فضا دارد. رابطه تنگاتنگی میان مفاهیم بنیادینی چون حس مکان، هویت مکانی، و مکان دوستی وجود دارد و بررسی آنان می تواند نگاه تازه ای را به شکل گیری تجربه شهری در بستر روایت های نامبرده شکل دهد. به منظور بسط و تکمیل این بررسی، مطالعه تجربه امر والا در مواجهه با ابرسازه های شهر نیز، با بهره گیری از تعاریف مطرح شده توسط کریستوف دن تانت، مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان نتیجه گیری می شود که شخصیت های هر دو رمان از خلق ارتباط پایدارمکانی- فضایی با محیط پیرامون خود باز می مانند و در پیامد آن دچار تجربیاتی چون حس بی مکانی و عدم تعلق می شوند.

واژگان کلیدی: مکان؛ هویت مکانی؛ بی مکانی؛ فضا؛ مکان دوستی؛ امر والا؛ شهری.

"منلیاد" جان بارت و مکانیک کوانتومی: ذبح عقل سلیم

علی اصغر امامی پور

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، پردیس بین المللی کیش دانشگاه تهران

فریده پورگیو (نویسنده مسئول)

استاد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

در اساطیر یونان، پیشینه ای درباره کیفیت رابطه عاطفی منلائوس و هلن پس از جنگ تروا وجود ندارد. آنچه بازگویی جان بارت را متمایز می کند، پر کردن این شکاف روایی در اسطوره از طریق نگارش روایتی است که سرنوشت این زوج اسطوره ای را متصور شده و بیان دل مشغولی های منلائوس، شخصیتی که کمتر در کانون توجه نویسندگان و پژوهشگران قرار گرفته است، می باشد. برخلاف نظر اکثر پژوهشگران که مصرند تا "منلیاد" بارت را در چارچوب ادبیات پوچی، که مدت هاست فرسوده شده است، مطالعه کنند، تحقیق پیش رو با استفاده از اصل عدم قطعیت مکانیک کوانتومی، استدلال میکند که چگونه اتخاذ تعریف فیزیک مدرن از واقعیت زیراتمی، که بطور تلویحی در پند پروتئوس به آن اشاره شده است، به منلائوس این امکان را میدهد تا از شک و تردیدها و مشغله ذهنی اش در خصوص علت تصمیم هلن در برگزیدن وی به همسری رهایی یابد و رابطه عاطفی خود را با وی ادامه دهد.

واژگان کلیدی: گشتالت؛ منلائوس؛ مکانیک کوانتومی؛ تفسیر کپنهاگی؛ اصل عدم قطعیت.

ترمودینامیک: آنتروپی و نقض در بازی تاج و تخت جورج مارتین

عطیه مومن زاده

گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

بهمن زرین جویی (نویسنده مسئول)

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

چکیده

این تحقیق از روش بحث بینارشته‌ای برای خوانش بازی تاج و تخت، فانتزی حماسی، جورج مارتین به استناد نظریه‌های نانسی کترین هیلز در خصوص قوانین مدرن فیزیک و ادبیات استفاده می‌کند. پیرنگ رمان با خدشه‌پذیری و روان بودن روند داستان و شخصیت‌هایش دارای پیچیدگی‌های برجسته‌ای است که تفاسیر ادبی فراوانی را فراهم می‌نماید. این مقاله از ترمودینامیک برای اشاره به شاخه‌ای از فیزیک مربوط به دما و گرما و ارتباط آنها با انرژی، آنتروپی و خصوصیات فیزیکی تشعشع نور و ماده استفاده می‌کند. عملکرد این کمیت‌ها را قوانین ترمودینامیکی کنترل می‌کنند که با استفاده از ویژگی‌های فیزیکی ماکروسکوپی قابل سنجش، توصیف قابل درکی از آنها ارائه می‌دهند. این تحقیق مکانیسم ترمودینامیکی را در نظام وستروس، سرزمینی تخیلی مملو از جنگ‌ها و تنش‌های بی‌شمار که مبحث آنتروپی به شکلی استعاری در آن تجلی یافته دنبال می‌کند. مارتین نشان می‌دهد که چگونه ترمودینامیک و آنتروپی عمل می‌کنند و آشوب را به ارمغان می‌آورند و فانتزی خود را بر نقض قوانین علمی استوار می‌کند تا هستی-شناسی فیزیک را به تصویر بکشد و به دنیای خیالی خود معنا دهد. در این راستا، محققان به این نتیجه می‌رسند که مارتین برای رمزگشایی واقعیت این دنیای آشفته، فیزیک و ادبیات را در هم می‌آمیزد و برای درک مکانیسم جهان در تخیل و واقعیت چارچوبی واقع‌گرایانه طراحی می‌کند.

واژگان کلیدی: آشوب؛ انرژی؛ آنتروپی؛ فانتزی حماسی؛ تنش؛ قوانین ترمودینامیک.

باور نادرست نژاد پرستانه گرایش به خشونت در سیاه پوستان: بررسی ژنژکی آبی‌ترین چشم، سولا و دل‌بند نوشته تونی موریسون

افشین مصلی نژاد

دانشجوی دکتری بخش زبان و ادبیات انگلیسی، واحد علوم و

تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

حسن شهابی (نویسنده مسئول)

استادیار بخش زبان و ادبیات انگلیسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

شهرام رئیسی سیستانی

استادیار بخش زبانهای خارجی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران

چکیده

بخش قابل توجهی از آنچه که ما به عنوان خشونت می‌شناسیم چیزی جز باورهای نادرست نیست. از آنجایی که باورهای نادرست در طول سالیان متمادی برای ما گفته و بازگویی شده‌اند، آن‌ها را به جای حقیقت گرفته‌ایم. مقاله حاضر به بررسی باورهای نادرست در باب خصوصیات نژادی به عنوان بازنمایی خشونت کلامی در رمان‌های آبی‌ترین چشم، سولا و دل‌بند نوشته تونی موریسون می‌پردازد. تونی موریسون در نقش کاوشگر هویت آمریکایی‌های آفریقایی تبار بر تکیه کلام‌ها و باورهای نادرست به عنوان مظاهر خشونت نمادین ژنژکی تمرکز می‌کند. از نظر روش شناختی، این پژوهش از تحلیل گفتمان سیاسی، فمینیسم جنسیتی سیاه‌پوستان و همچنین روانکاوی با تمرکز بر نظریات ارائه شده توسط اسلاوی ژیتک درباره خشونت به عنوان رویکردهای کاربردی تحلیل داده‌های به دست آمده بهره می‌برد. ادغام اصطلاحات روانکاوی و سیاسی در این پژوهش دیدگاهی جدید به مفاهیم ایدئولوژی و خشونت می‌بخشد. هدف این مقاله بررسی ساز و کارهای ترویج باورهای نادرست تمایل شدیدتر به خشونت و آستانه بالاتر تحمل درد در میان سیاهان نسبت به سفید پوستان است. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که گفتمان باورهای نادرست توسط صاحبان قدرت به عنوان شبه-ایدئولوژی ساخته و پرداخته شده‌اند تا اعمال خشونت علیه نژادهای غیر اروپایی را عادی سازی نمایند و مقاومت سیاه پوستان فرودست در قالب تهاجم متقابل علیه برخوردهای شدید سفید پوستان را متوقف کنند.

واژگان کلیدی: باور نادرست گرایش به خشونت سیاه پوستان؛ خشونت، شبه-ایدئولوژی؛ اسلاوی

ژیتک؛ تونی موریسون.

زبانِ تس و قربانی شدن او: نظریه کنش گفتاری در رمان تس از خانواده دوربرویل

فاطمه عزیزمحمدی

دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی کنش‌های گفتاری در رمان تس از خانواده دوربرویل اثر توماس هاردی بر اساس نظریه جان آستین می‌پردازد. این پژوهش می‌کوشد تا کنش گفتاری شخصیت‌های زن را در این رمان در سه سطح کنش بیانی، کنش غیربیانی و نیروی غیربیانی بررسی نماید. نظریه‌های آستین در کتابی با عنوان چگونه کارها را با کلمات انجام دهیم منتشر شده است که به معرفی کنش‌های گفتاری می‌پردازد. فیلسوفان معتقدند که از زبان برای نمایش جهان استفاده می‌شود؛ به عبارت دیگر زبان نشان می‌دهد که چه چیزی وجود دارد و چه چیزی وجود ندارد. همین مکانیسم را می‌توان در کنش‌های گفتاری تس ردیابی و مطالعه کرد. شاید بتوان ادعا کرد که زبان برای تس، وسیله انتقال معانی نیست بلکه ابزاری است که از طریق آن می‌توان روان، هویت و مسیر زندگی را ساخت. استفاده از نظریه‌های زبان‌شناختی در تحلیل این اثر، هم می‌تواند جنبه‌های جدیدی از رمان را به تصویر بکشد و هم بینش‌های نوینی به زبان‌شناسان بدهد. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که کنش‌های گفتاری دلیل شکست تس در جامعه و سرنوشت غم‌انگیز وی است و بدین طریق پیوند زبان و روان شخصیت‌ها آشکار می‌گردد.

واژگان کلیدی: قربانی شدن؛ زبان تس؛ تس از خانواده دوربرویل؛ توماس هاردی.

ویژگی های شخصیتی و ترجمه: تأثیر شخصیت های درون گرا و برون گرا بر کیفیت ترجمه متون سیاسی و روزنامه نگاری

حافظه رئیس یزدی

کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی، بخش زبان انگلیسی، موسسه آموزش عالی البرز، البرز، ایران
آذر باقری مسعودزاده (نویسنده مسئول)

دکترای آموزش زبان انگلیسی، بخش زبان انگلیسی، واحد کرمان، دانشگاه فرهنگیان، کرمان، ایران

چکیده

پژوهش حاضر تحقیقی میان رشته ای با نگاهی روانشناختی به کیفیت متون ترجمه شده است. این تحقیقی تلاشی برای بررسی تأثیر احتمالی شخصیت مترجمان برونگرا و درونگرا بر کیفیت ترجمه متون سیاسی و روزنامه نگاری بود. این کار همچنین تأثیر سطح فارغ التحصیلی بر کیفیت ترجمه را بررسی کرده است. برای دستیابی به اهداف، داده ها از ۵۰ دانشجوی کارشناسی ارشد و ۵۰ دانشجوی کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی در دانشگاه های مختلف ایران جمع آوری شد. ارزیابی کیفیت متون ترجمه شده با استفاده از مدل فرحزاد (۱۹۹۲) توسط سه ارزیاب انجام شد. نتایج آزمون t نمونه های مستقل نشان داد که ویژگی های شخصیتی شرکت کنندگان تأثیر معنی داری بر کیفیت ترجمه ندارد. علاوه بر این، نتایج تحلیل واریانس نشان داد که دانش آموزان برون گرا در مقیاس دقت، عملکرد بهتری نسبت به درون گراها داشتند، اما الگوی معکوس در مقیاس سبک ظاهر شد که درون گراها از برون گراها بهتر عمل کردند. در این پژوهش سعی شده است تا رابطه متقابل روانشناسی و حوزه ترجمه مورد توجه قرار گیرد که می تواند برای ورود مفاهیم و نظریه های حوزه روانشناسی مفید باشد. با توجه به نتایج می توان گفت که «درون گرایی» و «برون گرایی» می تواند به عنوان دو منبع تغییر در فرآیند و نتیجه ترجمه در نظر گرفته شود.

واژگان کلیدی: ویژگی های شخصیتی؛ شخصیت درونگرا؛ شخصیت برونگرا؛ ارزیابی کیفیت ترجمه.

تأثیر خواندن و تدریس متون ادبی بر دامنه واژگان و پیشرفت طول ترکیب: مطالعه موردی زبان آموزان دوره متوسط زبان انگلیسی به عنوان زبان دیگر

اسمعیل زین الدینی مفرد (نویسنده مسئول)

گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران

سیدسجاد حسینی

گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران

چکیده

تأثیر متون ادبی بر رشد مهارت‌های تولیدی زبان آموزان از دیرباز عاملی چشم نواز برای محققان بوده است. با تعیین علاقه از طریق تحلیل، پژوهش حاضر به دنبال بررسی تأثیر متون ادبی بر افزایش استفاده از واژگان و طول ترکیب زبان آموزان انگلیسی است. برای دستیابی به خواسته فوق، یک مطالعه موردی شامل پانزده زبان آموز زبان انگلیسی دوره متوسط به عنوان یک کلاس طراحی شد. موارد از زبان فراگیران دانشگاه ولایت ایرانشهر انتخاب شد. آنها قرار بود یک متن ادبی را بخوانند و بحث کنند که تأثیر آن بر نوشته آنها بعداً قبل از افشای متن ادبی با یک ترکیبی که قبلاً آماده شده بود مقایسه شد. تمرکز بر دامنه واژگان و طول ترکیب و پیشرفت ایده های آنها در نوشتار نشان داد که متن ادبی و جلسه بحث بر ویژگی های ذکر شده در بالا بسیار تأثیرگذار بوده است. آنها در ترکیب خود از منابع واژگانی بیشتری از متن ادبی و متن طولانی تر و جامع تر از نظر پیشرفت استفاده کردند.

واژگان کلیدی: متون ادبی؛ نوشتن؛ محدوده واژگان؛ طول ترکیب؛ پیشرفت.

سیاست های غیرمستقیم آموزش زبان انگلیسی نهادینه شده در فعالیت های حرفه ای ناشران و موسسات خصوصی زبان منتخب در ایران

هانیه دیوان بگی

دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران

لیلا تاجیک (نویسنده مسئول)

دانشیار آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران

سید عبدالحمید میرحسینی

دانشیار آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه هنگ کنگ، پوکفولام، هنگ کنگ

چکیده

سیاست های آموزش زبان انگلیسی به تازگی تبدیل به یک دغدغه فزاینده در برخی کشورها مثل ایران شده اند. اگرچه برخی مطالعات به نقش اسناد و متون سیاست گذاری مستقیم توجه کرده اند، مطالعات کمتری به بررسی نقش سیاست های غیرمستقیم آموزش زبان پرداخته اند. این تحقیق سیاست های غیرمستقیم آموزش زبان انگلیسی را بررسی میکند که در فعالیتهای حرفه ای ناشران و موسسات خصوصی منتخب زبان انگلیسی در ایران نهادینه شده اند. داده های این تحقیق کیفی شامل اسناد و اطلاعات آرشیوی میشود که از برخی منابع همچون وبسایتهای رسمی، حساب شبکه های اجتماعی، کاتالوگها و بروشورهای هشت ناشر معتبر و هشت موسسه پیشرو آموزش زبان انگلیسی گرفته شده اند. تحلیل موضوعی اطلاعات سه جنبه از فعالیتهای ناشران (ویژگیهای اسمی، منابع مکمل، و ویژگیهای عملی) و چهار جنبه از فعالیتهای حرفه ای موسسات زبان (طبقه بندیهای زیاد، آزمونها، معلمان، و کتابها) را آشکار کرد. یافته ها پیشنهاد میکنند که فعالیتهای حرفه ای ناشران و موسسات پیشرو ممکن است به عنوان سیاست های غیرمستقیم عمل کند که به احتمال زیاد برای سایر ناشران و موسسات راهنمایی خواهد بود که آنها را دنبال و اتخاذ نمایند. بنابراین، پیشنهاد میشود که به جای دنبال کردن روشهای پذیرفته شده سنتی، ناشران و موسسات معتبر، به شکل خلاقانه کار کنند تا نیازهای بومی را شناسایی نمایند و به نیازهای فراگیران ایرانی پاسخ دهند تا وضعیت زبان انگلیسی در کشور بهبود یابد.

واژگان کلیدی: آموزش زبان انگلیسی؛ سیاست های غیرمستقیم؛ فعالیت های حرفه ای؛ موسسات

زبان؛ ناشران.